

نظام ایلی

ماهیت و مختصات عمده جامعه عشایری ایران*

دکتر مسعود چلبی ❁

دکتر محمد عبداللهی ❁❁

چکیده

جامعه عشایری ایران دارای نظام اجتماعی مشخصی بوده است که از لحاظ نوع یا ماهیت و ویژگیهای اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و قشربندی با نظامهای اجتماعی مذکور در تیپولوژیهای ارائه شده در آثار موجود کاملاً قابل انطباق نیست و نوع آرمانی آن را می توان تحت عنوان نظام ایلی از سایر نظامهای اجتماعی متمایز کرد. نظام ایلی غالب بر جامعه عشایری ایران امروز در نتیجه تنگناها و محدودیتهای روزافزون اکولوژیک، جمعیتی، تکنولوژیک، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی فرهنگی توان (پتانسیل) توسعه خود را از دست داده است، به طوری که در دهه های اخیر تغییراتش بیش از آنچه در جهت توسعه بوده باشد در جهت فروپاشی و اضمحلال هر چه بیشتر آن بوده است. هر چند هنوز احتمال ادامه حیات برخی از ایلات و طوایف جامعه عشایری ایران به شکلی ساده و مساوات طلب یا حتی با حفظ ماهیت قبلی منتها تحت عناوین

* این مقاله بخشی از نتایج تحقیقی است که این پژوهشگران با همکاری یکی از واحدهای تحقیقاتی سازمان برنامه و بودجه (هامون) در مورد طرح مطالعات جامعه عشایری ایران در مقیاس ملی در سال ۱۳۷۰ به پایان رسانیده اند.

❁ عضو عیث علمی دانشگاه شهید بهشتی
❁ عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی

والقاب جدید وجود دارد، ولی مسیر غالب تحول نظام ایلی در جهت فروپاشی و استحاله کامل آن در نظام ملی قابل پیش‌بینی است.

۱ نظام ایلی و مختصات عمده آن

جامعه عشایری ایران دارای نظام اجتماعی مشخصی بوده است که با هیچ کدام از نظامهای اجتماعی مطرح شده در تیپولوژیهای مذکور در آثار موجود کاملاً قابل انطباق نیست، به طوری که می‌توان نوع آرمانی آن را تحت عنوان «نظام ایلی»^۱ از بقیه نظامهای اجتماعی متمایز کرد. ویژگیهای عمده این نظام به شرح زیر است:

۱-۱ ویژگیهای اقتصادی

در نظام ایلی غالب بر جامعه عشایری ایران شکل مالکیت خصوصی و مایملک عمده دام است. دامداری عمده‌ترین ممر درآمد است. زراعت در درجه دوم اهمیت، و صنعت به عنوان مکمل فعالیتهای دامداری و کشاورزی جزئی از وظایف روزمره هر خانواده عشایری است. این سه عنصر در ارتباط متقابل با هم نیازمندیهای روزمره مردم را پاسخ می‌دهند و پایه‌های اصلی خودکفایی هر خانواده و در مجموع جامعه عشایری را تشکیل می‌دهند. خانواده واحد عمده تولید است. روابط تولیدکنندگان نسبت به منابع عمده تولید متصل است. نیروی کار از منابع تولید جدا نیست. هدف تولید استفاده و مبادله است. مبادله بین جامعه عشایری و جوامع روستایی و شهری یا در درون خود جامعه عشایری ولی در هر صورت طبق قواعد اقتصاد شهری انجام می‌گیرد. هدف استفاده از مازاد عمدتاً مصرف است. رابطه کاری خانوادگی است و معمولاً هر خانواده‌ای برای خود کار می‌کند. امروز در جامعه عشایری ایران متعاقب نفوذ اقتصاد جوامع شهری و روستایی مزدبگیری آنها عموماً به شکل غیر پولی کما بیش رواج یافته است. شیوه توزیع به صورت تهاتری و براساس میزان ثروت، درآمد و کار صورت می‌گیرد. نوع معیشت غالب دامداری و شیوه غالب سکونت چادرنشینی توأم با

1. (Nezam - Illy (Tribal System))

کوچندگی است.

۲-۱ ویژگیهای قشربندی و نابرابریهای اجتماعی

در برخی از ایلات و طوایف عمده جامعه عشایری ایران اشکال سنتی نابرابریهای رابطه‌ای (طبقتهای)، به خصوص در ابعاد اقتصادی و سیاسی، یعنی توزیع ثروت و قدرت وجود دارد. در طایفه نارویی وایل بختیاری هنوز عده‌ای از رؤسای خانواده‌های عشایری تحت رابطه‌ای که خود آن را ارباب و رعیتی می‌نامند برای ارباب یا مالک بیگاری می‌کنند. عده‌ای هم تحت روابط کار و مزد به عنوان کارگر در مقابل دریافت مزد برای کارفرما کار می‌کنند و در مجموع حدود $\frac{1}{3}$ خانواده‌های عشایری ایران مجبورند هر ساله مبلغی به عنوان حق‌المرتع به صاحبان مراتع بپردازند. در بعد سیاسی هم پیش از اصلاحات ارضی خان و کارگزارانش (کلانتر، کدخدا، سرمال و ریش سفید) و پس از اصلاحات ارضی، به خصوص بعد از انقلاب اسلامی، دولت و کارگزارانش صاحب اقتدار بوده و رهبری سیاسی ایل و واحدهای ایلی را بر عهده داشته‌اند. هر چند در برخی از ایلات و طوایف ایران، چون کرد و ترکمن، نابرابریهای اقتصادی و سیاسی رابطه‌ای یا طبقتهای قابل توجهی به چشم نمی‌خورد، ولی نابرابریهای رتبه‌ای در توزیع دام و اراضی کشاورزی و به تبع آن دسترسی به امکانات بهداشتی و درمانی و غیره در همه ایلات و طوایف ایران با کم و کیف متفاوت دیده می‌شود که میزان آن در ایلات و طوایفی چون بختیاری و نارویی، که دارای روابط طبقتهای هستند، به مراتب بیشتر از ایلات و طوایف مساوات‌طلبی چون کرد و ترکمن است. در بعد اجتماعی تفاوت بین پنداشت خانواده‌ها از منزلت اجتماعی خود در ایلات طبقتهای بسیار بیشتر از ایلات غیر طبقتهای است. میزان تغییر و تحول و به تبع آن تحرک اجتماعی و گرایش به زندگی شهری در بین خانواده‌های متعلق به ایلات طبقتهای نسبت به ایلات مساوات طلب بیشتر است. امروز هماهنگی و تجانس بین نابرابریهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی از میان رفته است. بنابراین کسانی که در ایل دارای ثروت و قدرت اقتصادی‌اند نفوذ و قدرت سیاسی سابق را ندارند. همچنین کسانی که دارای قدرت سیاسی‌اند (نمایندگان دولت) ضرورتاً

صاحب ثروت و قدرت اقتصادی نیستند.

۳-۱ ویژگیهای سیاسی

در نظام ایلی جامعه عشایری پیش از اصلاحات ارضی، خان اصلی ترین عنصر سیاسی بوده که به کمک کارگزارانش، از جمله کدخدا، سرمال و ریش سفید و در پاره‌ای موارد حتی دولت (بخشدار و فرمانده ژاندارمری و غیره)، نقش رهبری سیاسی ایل را ایفا می‌کرده است. ولی پس از اصلاحات ارضی و به خصوص متعاقب انقلاب اسلامی در ایران ساختار سیاسی نظام ایلی دچار تحولی اساسی شده است. عنصر خان و کارگزارانش تا رده سرمال از سلسله مراتب سنتی قدرت نظام ایلی حذف شده‌اند، به طوری که امروز هیچ یک از رؤسای خانوادهاى عشایری خود را نه تنها خان بلکه حتی در اغلب ایلات و طوایف به استثنای ایل بختیاری به عنوان کدخدا هم معرفی نمی‌کنند. بلکه اکثر آنان خود را فقط رئیس خانواده و عده قلیلی هم خود را سرمال، ریش سفید و یا نماینده دولت می‌نامند. امروز به جای خان دولت به صورت رسمی نقش رهبری ایلات را بر عهده دارد، ولی در شکل غیر رسمی در برخی ایلات کدخدا و در اغلب موارد ریش سفید نقش مکمل را ایفا می‌کند. بنابراین اگر چه خان و کارگزارانش نقش سیاسی خود را از دست داده‌اند و حل و فصل امور سیاسی ایل عملاً و رسماً به نمایندگان دولت واگذار شده است ولی نابرابری در توزیع قدرت کاهش چشمگیری پیدا نکرده است و مشارکت سیاسی فراگیر در ایل افزایش نیافته است، به طوری که تصمیمات سیاسی که قبلاً به وسیله خان و کارگزارانش اتخاذ می‌شد امروز به وسیله دولت و کارگزارانش اتخاذ می‌شود.

۴-۱ ویژگیهای فرهنگی

میزان تولید دانش و ذخیره اطلاعات در نظام ایلی جامعه عشایری ایران بسیار پایین است. حدود $\frac{۳}{۴}$ کل مردم و بین ۷۷ تا ۹۶ درصد رؤسای خانواده‌های عشایری ایران بی‌سوادند. طبق معمول درصد بی‌سوادی در بین زنان نسبت به مردان بیشتر است، به

طوری که می‌توان گفت جامعهٔ عشایری ایران جامعه‌ای تقریباً بی‌سواد یا بسیار کم‌سواد است. میزان حضور نهادهای فرهنگی قدیم به مراتب چشمگیرتر از میزان حضور نهادهای فرهنگی جدید است. نوع مناسک غالب در نظام ایلی جامعهٔ عشایری ایران به ترتیب اهمیت مذهبی و ایلی - قومی است که در عمل زمینه و ریشه‌ای مشترک پیدا کرده‌اند. متولیان این مناسک اغلب رؤسای خانواده‌ها، کدخدا، سرمال و ریش‌سفیدان هستند. با توجه به اینکه در نظام ایلی ایران خاص‌گرایی فرهنگی^۱ بر عام‌گرایی غالب است، لذا تعهد اجتماعی مبتنی بر تعلقات خویشاوندی و قومی است. به همین جهت در چنین جامعه‌ای سنت‌گرایی دامنهٔ تعقل‌گرایی و نوآوری را محدود می‌کند. عدم تفاوت‌پذیری و ضعف استقلال فردی نظام حقوقی را زیر سیطرهٔ اجتماع و وجدان جمعی قرار داده است. بنابراین نوع مجازات عمدتاً تنبیهی است که معمولاً به وسیلهٔ خود اجتماع و اعضایش دربارهٔ هنجارشکنان اعمال می‌شود.

۵-۱ ویژگی‌های عقیدتی و ارزشی

ماهیت و مختصات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی نظام ایلی، از جمله ضعف علوم و تکنولوژی، سیطرهٔ اجتماع، حاکمیت خان و بی‌سوادی مردم و مقاومت چند صد سالهٔ این نوع زندگی ایستا در برابر تغییرات درون‌زاد، رؤسای خانواده‌های عشایری را به پذیرش وضع موجود و بی‌اعتقادی به توانایی انسان در تغییر سرنوشت خود واداشته است. اعتقاد رؤسای خانواده‌های عشایری به اینکه زندگی در قالب نظام ایلی چیزی غیر از آنچه که هست نمی‌تواند باشد زیاد دور از انتظار هم نیست. زیرا در شرایط امروزی ایران و جهان دیگر امکان توسعه برای چنین نظامی وجود ندارد. بنابراین پذیرش وضع موجود برای کسانی که در تحت چنین نظامی زندگی می‌کنند واقعیتی روزمره و عادی است. به همین جهت است که در اغلب ایلات و طوایف ایران، به خصوص آنجا که نابرابریهای رابطه‌ای و رتبه‌ای شدید وجود دارد، مردم زندگی شهری و

۱. منظور از خاص‌گرایی (خاص‌گرایی ارزشی) اولویت دادن به «ما»های کوچکتر (خانواده، طایفه، قوم طبقه و ...) نسبت به «ما»های بزرگتر علی‌الخصوص «ما»ی ملی - مذهبی است.

حتی روستایی را بهتر از زندگی خود ارزیابی می‌کنند، و چون در چند دهه اخیر عوامل برونزاد، به خصوص نفوذ عوامل ساختاری جامعه شهری، نظام ایلی را در ابعاد مختلف سیاسی و اقتصادی دچار تحول ساخته است لذا غیر عادی نیست که اگر مردم عشایری نقش عوامل برونزاد را در تغییر زندگی خود مؤثرتر از نقش خویش بیندارند. این امر با نارضایتی کنونی مردم عشایری از زندگی روزمره خود زمینه را برای اعمال نفوذ عوامل خارجی، و به خصوص دولت، در جهت تغییر نظام ایلی و توسعه و بهبود زندگی مردم عشایری در قالب نظام نوینی از زندگی فراهم کرده است.

۲ پتانسیل توسعه نظام ایلی غالب بر جامعه عشایری ایران

اگر توسعه را به مفهوم «فرایند مشارکت مردمی عام‌گرا» در جهت به حداکثر رساندن انرژی مهار شده برای پاسخگویی مؤثر به نیازهای جسمانی، روانی و فکری و اجتماعی مردم و کمک به شکوفایی استعدادها و خودیابی آنان» بپذیریم، نظام ایلی غالب بر جامعه عشایری ایران فاقد پتانسیل و شرایط لازم برای چنین توسعه‌ای است. زیرا در ابعاد مختلف اکولوژیک، جمعیتی، تکنولوژیک، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی با تنگناها و محدودیتهای عدیده‌ای اعم از درون‌زا یا برون‌زا روبه‌روست که اهم آنها عبارتند از:

۱-۲ تنگناها و محدودیتهای اکولوژیک

دام و مرتع دو عنصر ضروری در بقا و ادامه حیات نظام ایلی غالب بر جامعه عشایری‌اند. در نتیجه عوامل بسیاری از جمله افزایش تعداد دام و چرای مفرط روند تخریب مراتع کشور تسریع گردیده است. این محدودیت اکولوژیک موجب محدودیت تعداد دام می‌شود و در مواقع ضروری تعلیف دستی دام را بر عشایر تحمیل می‌کند. در حالی که افزایش جمعیت از یک سو و افزایش هزینه‌های روزمره زندگی از سوی دیگر

۱. منظور از عام‌گرایی (عام‌گرایی ارزشی) میزان گرایش به ارزشهای عام نظیر خردگرایی، مساوات‌طلبی، آزادی، فعال‌گرایی و توجه به معیارهای محقق در روابط اجتماعی است.

افزایش تعداد دام و اجتناب از تعلیف دستی را اقتضا می‌کند. این دور باطل که هر روز بیش از پیش جامعه عشایری را دچار تنگنا می‌سازد یکی از موانع اکولوژیک است که نظام ایلی ایران امروز در مسیر توسعه خود با آن رو به روست.

۲-۲ تنگناها و محدودیتهای جمعیتی

میزان باروی عمومی و در نتیجه افزایش جمعیت در جامعه عشایری ایران بالاست. این امر صرف نظر از مسئله مهاجرفرستی جامعه عشایری به جوامع روستایی و به خصوص شهری موجب افزایش تعداد دام و در نتیجه تخریب هر چه بیشتر مرتع خواهد شد که به نوبه خود مردم عشایری را به کاهش تعداد دام یا تعلیف دستی دام و تحمل فقری فزاینده یا ترک زندگی ایلی و مهاجرت به شهرها وامی‌دارد. این مسئله که از تناقض بنیادی بین سه عامل جمعیت، مرتع و دام سرچشمه می‌گیرد روز به روز گسترش و عمق بیشتری می‌یابد و توسعه نظام ایلی را ناممکن می‌سازد.

۳-۲ تنگناها و محدودیتهای تکنولوژیک

زندگی عشایری یکی از ابتدایی‌ترین اشکال تطابق انسان با محیط است. در چنین جامعه‌ای سطح علوم و تکنولوژی بسیار پایین است. شیوه زندگی متحرک یا کوچندگی به عنوان یکی از عناصر چنین شکلی از زندگی خود به مثابه نوعی مصالحه با طبیعت به منظور دستیابی به مراتع و مواهب طبیعی جهت چرای دام و تأمین نوعی زندگی سخت و مشقت‌بار با قناعت به حداقل امکانات ضروری است. این امر با پیشرفت علوم و تکنولوژی در جهت کنترل طبیعت و ایجاد تغییرات مطلوب در آن به منظور تطابق پویا و تکامل و تسهیل فرایند زندگی مغایرت دارد. این خود یکی از موانع بزرگ توسعه زندگی عشایری است. زیرا بدون تکامل علم و تکنولوژی توسعه زندگی عشایری ممکن نیست و با تکامل علم و تکنولوژی حفظ ماهیت و مختصات نظام ایلی غالب بر جامعه عشایری عملی نخواهد بود.

۴-۲ تنگناها و محدودیتهای اقتصادی

نفوذ ساختاری قواعد اقتصاد شهری در اقتصاد نظام ایلی نوعی چندگانگی ساختاری در جامعه عشایری پدید آورده است. این چندگانگی ساختاری نه تنها خودکفایی جامعه عشایری را مورد تهدید قرار داده است بلکه با دامن زدن به تعارضات توزیعی و ارزشی و تحرکات اجتماعی قواعد بازی را مبهم ساخته است. امروز ادامه زندگی در چنین جامعه‌ای با هزینه زیاد، سرخوردگی روانی، حسرت برای گذشته، نارضایتی از وضع موجود و عدم اطمینان به آینده و با برون‌گرایی و ابراز علاقه به زندگی شهری همراه شده است.

۵-۲ تنگناها و محدودیتهای اجتماع قومی^۱

در نظام ایلی تفاوت‌پذیری توأم با یگانگی آگاهانه مبتنی بر نیاز متقابل به کار و تخصص همدیگر ضعیف است. در مقابل، تشابه و انسجام اجتماعی مبتنی بر معیارهای محول چون هم‌تباری و هم‌قومی بالاست. اجتماع قومی و وجدان جمعی بر ارزشها و هنجارهای مشترک قومی مبتنی است و بر سایر ابعاد زندگی سلطه دارد. هنجارشکنی و نوآوری و تغییرات اجتماعی درون‌زاد بسیار کند و دشوار است. در چنین جامعه‌ای مصالح قومی و خانوادگی بر منافع فردی، سنت‌گرایی بر تعقل‌گرایی، خاص‌گرایی بر عام‌گرایی و مجازات تنبیهی انتقامجویانه بر مجازات جبرانی و پیشگیرانه مسلط است. بدین‌سان سیطره اجتماع قومی در چنین نظامی خود یکی از موانع عمده توسعه به شمار می‌رود.

۶-۲ تنگناها و محدودیتهای سیاسی

پس از اصلاحات ارضی و متعاقب انقلاب اسلامی با حذف عناصر سنتی قدرت شامل خان و کارگزارانش از سلسله مراتب نظام ایلی نوعی عدم تجانس و ناهماهنگی بین بعد سیاسی و ابعاد اقتصادی - فرهنگی نظام ایلی پدید آمده است. ظاهراً عناصر رسمی

قدرت شامل نمایندگان دولت و شوراها نخواسته یا نتوانسته‌اند آن طوری که باید نقش خان و کارگزارانش را ایفا کنند. به طوری که خلاء ناشی از حذف عنصر سنتی قدرت در تغییر شکل نظام ایلی موثر افتاده است. این عدم توازن و ناهماهنگی نه تنها مانع توسعه نظام ایلی بوده بلکه فروپاشی آن را نیز تسریع کرده است.

۷-۲ تنگناها و محدودیتهای فرهنگی

ماهیت و ویژگیهای نظام ایلی، یعنی زندگی مبتنی بر دامداری آن هم به اشکال ابتدایی آن، یعنی مصالحه با طبیعت و چادرنشینی توأم با کوچندگی برای دستیابی به مراتع و مواهب طبیعی جهت چرای دام و تأمین نوعی زندگی بخور و نمیر با قناعت به حداقل امکانات، با تولید و ذخیره اطلاعات سازگار نیست. به همین دلیل میزان اطلاعات و ارتباطات، و جریان اطلاعات بسیار ضعیف است. میزان حضور نهادهای فرهنگی جدید در نظام ایلی بسیار کم است. بی سوادى به ویژه در بین زنان بالا است. سنت‌گرایی و خاص‌گرایی در بین مردم عشایری بر تعقل‌گرایی و عام‌گرایی غالب است. از لحاظ باورها و ارزشها نیز مردم خود را در تعیین سرنوشت خویش چندان مؤثر نمی‌دانند و بیشتر به دخالت عوامل برونى معتقدند. امروز با نفوذ ساختاری جامعه شهری در جامعه عشایری و فروپاشی نظام ایلی و عدم توازن و تجانس بین ابعاد اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی آن، و ابهام قواعد ایفای نقش، زمینه نارضایتی از زندگی عشایری و تمایل به زندگی شهری بیش از پیش فراهم شده است. این امر از لحاظ ذهنی مردم را نه برای ادامه زندگی ایلی و توسعه آن بلکه بیشتر برای تغییر آن و روی آوردن به شیوه دیگری از زندگی آماده کرده است. در اینجا اگر انسانها را هم هدف و هم وسیله توسعه در نظر بگیریم به این نتیجه می‌رسیم که ویژگیهای فرهنگی نظام ایلی، و به خصوص ذهنیتی که امروز مردم عشایری از زندگی خود در مقایسه با زندگی شهری پیدا کرده‌اند، می‌تواند به عنوان نوعی محدودیت فرهنگی و فکری مانع توسعه نظام ایلی شود.

۸-۲ تنگناها و محدودیتهای ملی و بین‌المللی

تحقق بسیاری از اهداف توسعه از جمله دسترسی به ابزار زندگی، تسخیر انرژی، تسهیل انطباق، تولید اطلاعات و ترویج ارزشهای نوین و عام در قالب نظام ایلی غیرممکن یا بسیار دشوار است و پیگیری این اهداف نیز در سطح جامعه عشایری نه توسعه بلکه فروپاشی آن را به دنبال خواهد داشت، علاوه بر این در سطح بین‌المللی، نظام اقتصاد جهانی به منظور تراکم یا انباشت هر چه بیشتر سرمایه میل به ادغام مناطق غیرسرمایه‌داری در حیطه نفوذ خود دارد، و مکانیسم توسعه آن با توسعه بسیاری از جوامع از جمله جامعه عشایری مغایر است. به طوری که می‌توان گفت هم در مقیاس ملی و هم در مقیاس بین‌المللی جامعه عشایری به عنوان نوعی جامعه پیرامونی است که از آن به عنوان ذخیره توسعه مرکز (در مقیاس ملی جامعه شهری و در مقیاس بین‌المللی جوامع سرمایه‌داری و توسعه یافته) استفاده می‌شود. بنابراین جامعه عشایری برای توسعه با محدودیت و تنگنای محیطی اعم از ملی و بین‌المللی رو به رو است.

۳ پیش‌بینی مسیر تحول نظام ایلی از حال به آینده

با توجه به قسمتهای اول و دوم این مقاله می‌توان نتیجه گرفت که تغییرات نظام ایلی غالب بر جامعه عشایری ایران نه در جهت توسعه بلکه در جهت فروپاشی و اضمحلال آن صورت گرفته است. اگر چه این احتمال وجود دارد که تا آینده‌ای قابل پیش‌بینی برخی از ایلات و طوایف جامعه عشایری ایران بتوانند به شکلی ساده و مساوات‌طلب یا حتی با حفظ ماهیت قبلی خود متتها تحت عناوین والقب جدید به حیات خود ادامه دهند، ولی مسیر اصلی و غالب تحول جامعه عشایری ایران در جهت فروپاشی و استحاله نظام ایلی در نظام ملی است. این فرایند می‌تواند بالقوه دارای نتایج مثبت یا منفی باشد. در صورتی که مکانیسم این تحول شناخته شود و از آن در قالب یک برنامه جامع کوتاه و بلند مدت به طور صحیح استفاده شود می‌توان شکل غالب تغییر، روند، جهت و نتایج آن را به نفع مردم جامعه عشایری و نظام ملی کنترل و هدایت کرد. ولی اگر این امر به دست قضا و قدر سپرده شود، برای مردم جامعه عشایری و هم برای مردم

جوامع روستایی و شهری و در مجموع برای جامعه ایران نتایج زیانبخشی به بار خواهد آورد.